

آثار اسلامی ایرانیان

در شبه قاره هند و پاکستان

نوشته: حاج عزیز الله عطاردی قوچانی

وما اینک نام دونفر از این دانشمندان را که در طلیعه ورود مسلمانان به هند مصدر خدمات ارزنده شدند و نام گرامی آنان در شبه قاره هند به عظمت یاد میشود بعنوان نمونه ذکر میکنیم.

نخستین دانشمند ایرانی که در هنگام سلطنت غوریان به هندوستان رفته عارف بزرگ **خواجه معین الدین چشتی هروی** بود. خواجه معین الدین در هند شهرت و موقعبیت عظیمی دارد و از مشایخ بزرگ عرفان و رجال علم و ادب بشمار است. وی در هند خدمات شایسته‌ای نسبت به دین مقدس اسلام انجام داد.

خواجه معین الدین در هند مکتب خاصی برای ارشاد و هدایت مردم پی‌ریزی کرد و شاگردان زیادی را تربیت نمود که پس از وی مصدر کارهای بزرگی در علم، عرفان، ادب و سیاست شدند. معین الدین پس از مدتی اقامت در هند در «اجمیر» در گذشت قبر وی هم‌اکنون در آنجا مورد احترام مسلمانان و هندوها میباشد و هر سال در ماه رجب مردم هند از اطراف و اکناف برای شرکت در مجلس یادبود وی در اجمیر جمع میشوند و در آنجا مراسمی برپا میدارند.

یکی دیگر از دانشمندان ایرانی مرحوم **امیر کبیر میر سید علی همدانی** است. این شخصیت بزرگ نیز در هند، مخصوصاً ناحیه کشمیر فعالیتهای قابل توجهی در ارشاد و تبلیغ از خود

غزنویان نخستین پادشاهان مسلمان هستند که از رود سند عبور نموده و به داخل خاک پهناور هندوستان راه پیدا کرده‌اند. سلطان محمود غزنوی در ایام سلطنت خود چند بار به هندوستان لشکر کشید و پس از خراب کردن چندین بتکده با غنائم فراوان به غزنین مراجعت کرد. پس از وی فرزندانش مکرر با مردم هند به جنگ و قتال پرداختند، و تا آخر ایام غزنویان دین مقدس اسلام در پنجاب و گجرات گسترش پیدا کرد.

سلطان محمد سوم غوری برای اولین بار دهلی را فتح کرد و آن جا را پایتخت و مقر حکومت خود قرار داد. غوریان برای اولین بار در هندوستان حکومت اسلامی را تشکیل دادند و به تبلیغ و ترویج دین مقدس اسلام در داخل خاک هند پرداختند. اساس حکومت اسلامی بوسیله پادشاهان غور استوار شد و توسعه نفوذ آنان موجب گردید که دین اسلام به سرعت در هندوستان پیشروی کند. غوریان اصلاً خراسانی نژاد بودند و آثار آنان هم‌اکنون در غور موجود است.

مهاجرت ایرانیان به هندوستان:

با تشکیل حکومت اسلامی در هند مهاجرت ایرانیان مسلمان برای تبلیغ و ارشاد مردم، به آن سرزمین شروع شد. علماء و دانشمندان ایرانی در هند به ارشاد و هدایت مردم پرداختند

نشان داده است. مردم کشمیر ارادت خاصی به وی دارند و هنوز مسلمانان این منطقه نام وی را به عظمت و احترام یاد میکنند.

در یک کتاب خطی در کتابخانه دانشگاه علیگر بنام «تاریخ کشمیر» نوشته است و میگوید که لباس قلندران در برداشت وارد کشمیر شد، در این وقت حاکم کشمیر فوت کرده بود و زنش بر این ناحیه حکومت میکرد، قلندر ایرانی پس از مدتی اقامت در کشمیر خود را به این زن رسانید و بساوی به گفتگو پرداخت و پس از چندی با او ازدواج کرد و در اثر همین ازدواج زن مزبور مسلمان شد و سپس خویشاوندان و گروهی از اهالی کشمیر از او متابعت کردند و اسلام اختیار نمودند.

بطوریکه از تاریخ معلوم می شود این قلندر ایرانی امیر کبیر میر سیدعلی بوده است. مرحوم میر سیدعلی یکی از رجال بزرگ ایرانی است که در لباس قلندری و عرفان و تصوف خدمات ارزنده ای نسبت به دین مقدس اسلام در هند انجام داد.

میر سیدعلی در شهر «سوی نگر» مرکز حکومت کشمیر مجلس وعظ و ارشاد داشت و مردم را به وظائف دینی آشنا میکرد و پس از چند سال اقامت در هند به ایران مراجعت کرد و در همدان در گذشت.

اکنون جای وعظ و تدریس وی در کشمیر مورد احترام و تکریم است. مسلمانان کشمیر در جائی که وی برای موعظه و ارشاد می نشست بنای یادبودی درست کرده اند و آن محل را زیارت میکنند. روز عاشورا هنگامیکه دسته جات عزاداران حضرت امام حسین علیه السلام از آن محل عبور میکنند پرچم های خود را با احترام فرود می آورند. مقام معنوی این سید بزرگوار به اندازه ای در دلها نفوذ کرده که قایق رانان رودهای کشمیر هنگامیکه از پارو زدن خسته میشوند از روح بزرگ سید استمداد میکنند و فریاد میزنند «یا شاه همدان!!!». شرح زندگی و خدمات خواجه معین الدین چشتی و میر سیدعلی همدانی احتیاج به مقالات جداگانه دارد.

از دوره سلطنت غوریان تا آخر عصر تیموریان هزاران فقیه، ادیب، مفسر، محدث، فیلسوف، حکیم، شاعر، عارف، متصوف، وزیر و دبیر از اطراف و اکناف ایران به سرزمین پهناور هندوستان رفتند و تاریخ اسلامی هند نشان میدهد که پادشاهان دهلی، ملوک احمد نگر و قطبشاهان دکن، فرمانروایان اور و حکام گجرات، تلنگر، برار، بنگال و بیهار اکثر ایرانی بودند و آثار این دانشمندان هم اکنون در کتابخانه های هندوستان موجود است.

همزمان با مهاجرت علماء و دانشمندان، گروهی نیز برای تجارت و کسب و کار بآن سرزمین رهسپار شدند و پس از اندک زمانی امور بازرگانی و دریانوردی را در دریا های هند و اراضی مجاور آن بدست آوردند و بطوریکه از تاریخ مسلمانان هند بدست می آید بازرگانان ایرانی قبل از تسلط اروپائیان بر دریا های هندوستان و جنوب شرقی آسیا خداوندان دریاها و صاحبان کشتی های بازرگانی بوده اند که در بنادر هندو چین و مالزی و اندونزی و سایر بنادر اقیانوس هند رفت و آمد داشتند.

شرکت کشتیرانی ایرانیان تا این اواخر هنوز بکار خود ادامه میداد و در این مورد کتابی هم تحت عنوان «کشتی رانی ایرانیان» نوشته شده است. موضوع قابل توجه این است که دین مقدس اسلام توسط همین بازرگانان ایرانی به داخل خاک چین و جزائر اقیانوس هند راه پیدا کرد و میلیون ها مسلمان در چین و اندونزی و مالزی و جزایر جنوب شوقی آسیا در اثر ارشاد همین بازرگانان ایرانی مسلمان شدند. پادشاهان و حکام هندوستان کارهای مهم حکومتی و اداره مملکت را به ایرانیان میدادند. ما اینک برای شاهد مثال ماده هفتم وصیت نامه عالمگیر اورنگ زیب پادشاه تیموری هند را که بفرزندش وصیت کرده است ذیلا نقل میکنیم:

«هفتم آنکه بهتر از ایرانی برای متصدی بودن دیگری نیست و در جنگ هم از عهد حضرت آسیانی تا بحال احدی از این فرقه از معرکه روگردان نشده و پای استقامت آنها نلنزیده است؛ معذا گاهی خود سری و حرام نمکی نکرده اند لیکن چون بسیار عزت طلبند با آنها ساختن بسیار مشکل، بهر حال با اینها باید ساخت و کجدار و مریز باید کرد.»

تاریخ ایرانیان در هندوستان و فعالیت های علمی و ادبی و سیاسی و بازرگانی آنها در هند و جنوب شرقی آسیا بسیار مشروح است. اگر کسی در این موضوع تحقیق کند میتواند چند مجلد کتاب بنویسد. مدارک و اسناد این موضوع را در نسخه هائیکه در کتابخانه های هندوستان دیده و برای عکسبرداری به مقامات فرهنگی معرفی کرده ام میتوان بدست آورد.

مؤسسات مذهبی ایرانیان در هند:

ایرانیان مسلمان در هند برای خود مدارس و مساجد مخصوصی بنیاد نهادند و همچنین مهمانخانه برای پذیرائی از دانشمندان و رباط های زیادی در طرق و شوارع برای آسایش مسافرین ساختند. متأسفانه اکثر این آثار خیر در اثر مرور زمان از بین رفته و اکنون در بمبئی، مدرس، و کلکته مقداری از این آثار خیریه باقی است.

مرحوم حاج محمدحسین شیرازی یکی از بازرگانان مقیم بمبئی بوده و در یکصد و پنجاه سال قبل در این شهر بزرگ مسجدی ساخت که هم اکنون در پندی بازار بمبئی پایرجا است .

ایرانیان مقیم بمبئی در آن اقامه نماز جماعت میکنند و مجالس دینی خود را در آن برپا میسازند. یکی از خویشاوندان بانی مسجد که در کراچی اقامت دارد اظهار داشت «مرحوم محمد حسین شیرازی هنگامیکه تصمیم گرفت مسجد ایرانیان را بنیادگذارد تمام مصالح ساختمانی آنرا از سنگ و آجر و خاک از ایران آورد و این مسجد با این وضع و خصوصیت ساخته شد.»

در بمبئی دبیرستانی هم بنام دبیرستان امین هست که کودکان ایرانی در آن درس میخوانند. این دبیرستان در مجاورت مسجد و محل تمرکز ایرانیان واقع است. ساختمان این دبیرستان ابتدا برای حسینیه ساخته شده بود و بانی آن مرحوم امین التجار شیرازی بازرگان مقیم بمبئی بوده است و اکنون هم در ایام محرم در این محل از عوائد موقوفات مرحوم امین التجار در بمبئی روضه خوانی میشود .

در بمبئی چند مؤسسه دیگری هم از ایرانیان هست مانند حسینیه شوشتری ، انجمن قنوت یزدیان که هر کدام موقوفات و عوائدی دارد و از محل این موقوفات هر ساله در ایام عاشورا و ماه رمضان و ماه صفر و سایر ایام ولیالی متبرکه که مجالسی تشکیل میشود و گروهی از مستمندان مسلمین از اعتبارات این موقوفهها استفاده میکنند.

یکی از اعضاء هیئت مدیره موقوفات ایرانیان اظهار میداشت که گورستان سابق ایرانیان که در خارج شهر بمبئی بود اکنون در وسط شهر قرار گرفته و ارزش قابل توجهی پیدا کرده است و چندین سال است از دفن اموات در این جا خودداری میشود. گورستان متروک اینک ارزش زیادی پیدا کرده و شهردار بمبئی اظهار کرده است چون زمینهای مجاور گورستان ایرانیان ساختمان شده باید اولیاء گورستان هر چه زودتر محل مزبور را ساختمان کنند .

این شخص ایرانی که خود یکی از بازرگانان و عضو مؤثر انجمن ایرانیان است میگفت «ما به مقامات دولت شاهنشاهی ایران در بمبئی پیشنهاد کردیم که ما این زمین را در اختیار دولت ایران قرار خواهیم داد تا در آنجا ساختمانی برای خانه فرهنگی ایران بسازند و چون زمین مزبور وسعت دارد میتوان در آنجا دبستان و دبیرستانی هم برای ایرانیان مقیم بمبئی ساخت.»

در مدرسه از جمله مؤسسات خیریه ایرانیان در هندوستان

موقوفات و تأسیسات مذهبی مرحوم محمدخلیل شیرازی است، مرحوم محمدخلیل یکی از بازرگانان متنفذ ایرانی در مدرس و جنوب هند بشمار میرفت . وی مردی علم دوست و دانش پرور بود و اهل علم و ادب در مشکلات زندگی خود همواره به وی مراجعه میکردند.

مرحوم شیرازی در مدرس يك حسینیه و يك مسجد و يك محمناخانه برای پذیرائی از رجال علم و ادب که همواره به وی مراجعه داشته اند ساخته است. و اینجانب هم در هنگام اقامت در مدرس در همین مهمانخانه اقامت داشتم و اکنون تنها موسسه شیعیان در مدرس همین آثار خیریه مرحوم محمدخلیل شیرازی است. مدیر حسینیه میگفت «مادر مدرس يك دارالایقامت و يك مدرسه داریم که کودکان شیعه در آن درس میخوانند و مخارج آن هم از عوائد حسینیه و کمک اهل خیر تأمین میشود .

در کلکته - از جمله تأسیسات اسلامی ایرانیان موقوفات مرحوم محسن خان شیرازی در کلکته است . نامبرده یکی از رجال بزرگ ایرانی در بنگال بوده است و در آن ناحیه اعتبار و نفوذ داشته . وی در شهر کلکته مدرسه بزرگی ساخته که اکنون بنام «مدرسه عالی» معروف است . ما در هنگام اقامت در کلکته با اتفاق پروفیسور محمد اسحاق ایران شناس معروف هندوستان از این مدرسه دیدن کردیم.

این مدرسه بسیار وسیع و دارای اطاقهای زیادی است . بانی آن یکنفر ایرانی مسلمان بوده است و فعلا جمعی از طلاب علوم دینی در آن درس میخوانند.

بطوریکه در محل شنیدم این مدرسه موقوفات و عواید بسیاری دارد و مقداری از موقوفات آن اینک در پاکستان شرقی قرار گرفته است و کتابخانه این مدرسه هم به شهر داکا مرکز پاکستان شرقی منتقل شده است. در کنار مدرسه ساختمان بزرگی هم برای اجتماعات و مجالس مذهبی ساخته شده . از قراریکه پروفیسور محمد اسحاق اظهار میداشت «مرحوم سید جمال الدین اسدآبادی هنگام اقامت در کلکته در تالار این ساختمان صحبت میکردند».

همانطور که اشاره شد مقداری از موقوفات مدرسه عالی در پاکستان شرقی قرار گرفته است . آقای حاج شیخ علی شریعتی مازندانی رهبر شیعیان پاکستان شرقی اظهار میداشت «انجمن شیعیان پاکستان شرقی از دولت پاکستان درخواست کرد آن قسمت از موقوفات مدرسه عالی را که در پاکستان واقع شده در اختیار شیعیان بگذارند و عواید موقوفه طبق نظر واقف که یکنفر شیعه ایرانی بوده به مصرف برسد.»

مرحوم محسن خان شیرازی غیر از مدرسه عالیہ، حسینیه بزرگی هم بنا کرده است که اکنون در بندر هگلی در حومه کلکته قرار دارد و در هنگام عاشورا شیعیان بنگال در آنجا روزه خوانی میکنند. حسینیه مزبور بسیار مجلل است و صدها هزار روپیه ارزش دارد و همچنین حسینیه حاجی کربلائی که آن هم از آثار ایرانیان است و دارای موقوفات و عواید میباشد.

قبل از آزادی هندوستان گروهی از ایرانیان در رانگون پایتخت امروزی برمه «هندوچین» سابق اقامت داشتند و در آنجا به امور تجارت اشتغال می ورزیدند. یکی از بازرگانان ایرانی مقیم داکا در پاکستان شرقی میگفت در رانگون خیابانی بود «بنام ایران» و کسبه و بازرگانان این خیابان همه ایرانی بودند. ایرانیان در رانگون هم مسجد مجللی درست کردند و موقوفاتی هم برای اداره آن تعیین نمودند.

ولی بعدها از آنجا مهاجرت کرده در پاکستان شرقی اقامت نمودند. اکنون معلوم نیست وضع آن مسجد و موقوفات آن به چه صورتی است.

زبان فارسی در هندوستان :

زبان فارسی در هند زبان مذهبی و دینی مسلمانان است و همان مقام زبان عربی را در ایران دارد. این موقعیت زبان فارسی از این جهت است که دین مقدس اسلام توسط ایرانیان با زبان فارسی به آن سرزمین راه یافت و ملت هندوستان با زبان فارسی با دین اسلام آشنا شدند. در دربار پادشاهان و حکام اسلامی هند با زبان فارسی سخن میگفتند. احکام و فرامین سلطنتی و دیوان حکومتی مملکت پهناور هند با زبان فارسی نوشته میشد.

موضوعات مذهبی از فقه، حدیث، تفسیر، ادبیات عرفان فلسفه، منطق، کلام و تاریخ در هندوستان به زبان فارسی نوشته شده و صدها هزار نسخه خطی در زمینه های مختلف علمی و ادبی به زبان فارسی است. زبان فارسی مدت هشت قرن بر هندوستان حکومت کرد و زبان علمی و ادبی و مذهبی صدها میلیون مسلمان در هند و مناطق مجاور آن قرار گرفت و نسخ موجود در کتابخانه های این کشور شاهد این مقال است.

اهل تحقیق میدانند که اکثر کتب لغت فارسی و دستور مکالمه با زبان فارسی و امثال و حکم فارسی در هند نوشته شده است. علت اینست که چون زبان فارسی در آن منطقه رایج شد و زبان علمی و رسمی آن سرزمین قرار گرفت، محققین و دانشمندان را بر آن داشت تا پیرامون زبان و ادبیات فارسی تحقیق کنند و

مشکلات زبان را حل نمایند و راه فرا گرفتن آن را برای مردم آسان سازند.

امروز در تمام دانشگاهها و مؤسسات فرهنگی هندوستان زبان فارسی تدریس میشود. دانشمندان هندوستان برای اطلاع از تاریخ اسلامی کشور خود نیازمند به زبان و ادبیات فارسی هستند اگر کسی زبان فارسی را بطور کامل نداند از تاریخ علمی و ادبی اسلامی هندوستان نمیتواند اطلاع کاملی بدست بیاورد. و همچنین در صدها مدرسه مذهبی مسلمانان هندوستان و پاکستان فرا گرفتن زبان فارسی یکی از برنامه های ضروری است، زیرا اگر کسی بخواهد در یکی از موضوعات مذهبی تحقیق و بررسی کند بدون آشنائی با زبان فارسی به مقصود خود نخواهد رسید.

کتابخانه های هندوستان:

در شبه قاره هند و پاکستان کتابخانه های متعددی هست که هر کدام هزارها کتب خطی را در بردارند. پادشاهان و امراء اسلامی هندوستان علاقه مفراطی به جمع آوری و حفظ و نگهداری کتب از خود نشان میدادند و داشتن کتابخانه یکی از شئون رجال و شخصیت های بزرگ هندوستان بوده است. راجه های هندو هم با اینکه از آثار اسلامی استفاده نمی کردند و از نظر مذهبی علاقه به کتب مذهبی مسلمانان نداشتند با همه اینها آنان هم در جمع آوری کتب خطی دست کمی از امراء و نواب مسلمان نداشتند. نسخ موجود در کتابخانه های هند انسان را متحیر میسازد که چگونه این نسخ نادر و نفیس را از اطراف و اکناف جهان جمع آوری کردند.

دیدن مردم و اینک فهرست آنها را برای اطلاع اهل علم و تحقیق مینویسم :

در بمبئی - کتابخانه مسجد جامع : کتابخانه دانشگاه بمبئی، کتابخانه ملا فیروز، کتابخانه انجمن آسیائی، کتابخانه خصوصی مرحوم شیخ محمد حسین کاشانی.

در احمدآباد گجرات - کتابخانه پیر محمد شاه، کتابخانه کالج ادبی گجرات، کتابخانه دانشگاه گجرات.

در حیدرآباد دکن - کتابخانه سالار جنگ، کتابخانه آصفیه، کتابخانه دانشگاه.

در مدرس - کتابخانه دانشگاه مدرس، کتابخانه مدرسه محمدیه.

در کلکته - کتابخانه ملی کلکته، کتابخانه انجمن آسیائی.

در پتنه - کتابخانه خدا بخش خان.

در لکهنو - کتابخانه ناصریه، کتابخانه مدرسه الواعظین
کتابخانه سلطان المدارس، کتابخانه دانشگاه لکهنو.

در رامپور - کتابخانه رضائیه .

در علیگر - کتابخانه دانشگاه اسلامی علیگر.

در اگره - کتابخانه مرحوم قاضی نورالله شوشتری.

در داکا - کتابخانه مدرسه عالیہ ، کتابخانه موزه داکا ،
کتابخانه دانشگاه داکا.

در دهلی - کتابخانه موزه دهلی ، کتابخانه جامعه -
الاسلامیه نگر.

در کراچی - کتابخانه موزه لیاقت ، کتابخانه ملی لیاقت
کتابخانه انجمن ترقی اردو ، کتابخانه استاد سید حسام الدین
راشدی ، کتابخانه سرهنگ خواجه عبدالرشید ، کتابخانه
بانک ملی کراچی ، کتابخانه ممتاز حسن رئیس بانک ملی
پاکستان .

در حیدرآباد سندھ کتابخانه دانشگاه سندھ، کتابخانه سندھ
ادبی بورڈ ، کتابخانه سید وعب الله شاه ، کتابخانه سید محب الله
شاه .

در ملتان - کتابخانه سید رمضان شاه گردیزی .

در لاهور - کتابخانه دانشگاه پنجاب ، کتابخانه دولتی
پنجاب ، کتابخانه مولوی محمد شفیع .

در راولپنڈی - کتابخانه سرهنگ عبدالعزیز علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

رسال جامع علوم انسانی

در پیشاور - کتابخانه اسلامیہ کالج، کتابخانه پشتواکادمی،
کتابخانه دانشگاه پیشاور ، کتابخانه موزه پیشاور ، کتابخانه
مولانا فضل سمدانی .

غیر از کتابخانه‌ها یک‌دیگر بالا بنظر خوانندگان محترم رسید
در سایر شهرهای هند و پاکستان هم کتابخانه‌های متعدد دیگری
هست که ما وقت تحقیق و مطالعه برای بررسی آنها نداشتیم و
امیدواریم انشاءالله در آینده برای دیدن کتابخانه‌ها به هندوستان
برویم و تحقیقات خود را دنبال کنیم .

موضوع قابل توجه این است که بسیاری از کتابخانه‌های
خصوصی هندوستان در اثر عدم توجه صاحبان آنها از بین رفته
و می‌رود . علت این عدم توجه از این جا است که اولیاء فعلی کتاب-
خانه‌ها در اثر عدم آشنائی با علوم و معارف اسلامی قدر و قیمت
این کتب را نمی‌دانند.

رجال و بزرگان سابق هند چون بامبانی اسلامی آشنا
بودند و به ادبیات اظهار علاقه می‌کردند در حفظ و نگهداری کتب
خطی کوشش می‌نمودند. اکنون آن کتابخانه‌ها در دست فرزندان آنها
قرار گرفته و اینان از این نسخه‌ها نمی‌توانند استفاده کنند .
همین موضوع باعث شده است که در بسیاری از قراء و قصبات هند
کتاب‌ها ضایع شود و این خطر بزرگ همواره آثار علمی و ادبی را
در معرض تلف و نابودی قرار دهد . باید مسئولین امور فرهنگی
در این باره چاره‌اندیشی کرده و این آثار را که سرمایه علمی و
ادبی ما است و نتیجه هزار سال کوشش و رنج گذشتگان است حفظ
نمایند.